

جامعه‌شناسی ضرب‌المثل‌های عربی لهجه خوزستانی

علیرضا طرفی^۱، سوری ضیاغم^۲

چکیده

ضرب‌المثل جمله‌ای است کوتاه و عموماً شناخته شده از فرهنگ عامه که محتوای آن شامل حکمت حقیقت، اخلاق و دیدگاه‌های سنتی است که به صورتی متواتر و به گونه‌ای استعاره‌ای، ماندنی و حفظ‌کردنی از نسلی به نسل دیگر منتقل می‌شود. این مطالعه بدنبال بررسی امر اخلاقی در ضرب‌المثل‌های عربی خوزستانی می‌باشد. در این پژوهش با استفاده از روش تحلیل محتوای کیفی به گردآوری و تحلیل ضرب‌المثل‌های عربی در خصوص مضامین اخلاقی در سه حوزه روابط جنسیتی، روابط بین‌گروه‌های سنی پیر- جوان و روابط بین مردم و قدرت سیاسی پرداخته شده است. نتایج حاصل از این مطالعه نشان دهنده آن است که از تداوم روابط اخلاقی به شکل عام و قاعده‌مند در ادبیات رسمی، طبقه حاکم سود می‌برد. با تحلیل داده‌ها پنج مقوله استخراج شده اند که عبارتند از: اسطوره مردانگی، اسطوره پیر، اسطوره کودک، اسطوره ضعف و اسطوره حاکم مهربان این مقوله‌ها در قالب اسطوره‌سازی در ادبیات رسمی به شکل قاعده‌مند و بدیهی شکل گرفته است.

واژگان کلیدی: ضرب‌المثل، مضامین اخلاقی، اسطوره‌سازی، تحلیل محتوا

^۱ دکتری جامعه‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد دهقان، مدرس دانشگاه Email: Torfi_alireza@yahoo.com

^۲ دکتری جامعه‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد دهقان، مدرس دانشگاه Email: Ziaghham1361@gmail.com

مقدمه

از جمله مسائلی که در اغلب جوامع، طی چند دهه اخیر به صورت تأمل برانگیزی به آن پرداخته شده است موضوع روابط بین جنسیتی، رابطه مردم با قدرت سیاسی و روابط بین نسلی در بین گروه‌های سنی است. فرهنگ هر کشوری تأثیری ویژه‌ای بر نگرش‌ها و باورهای مردم آن کشور دارد و ضرب المثل‌ها به عنوان جملاتی کوتاه بیان‌کننده نگرش‌ها و باورهای مردم هر جامعه‌ای و ابزاری قدرتمند برای شکل دادن به آگاهی‌ها، نگرش‌ها و اعتقادات اخلاقی هستند (موحد و عسکری، ۱۳۹۱) و چون برخاسته از دل مردم هستند خالص‌ترین و عمیق‌ترین احساسات، ظریف‌ترین افکار و اندیشه‌ها و مهم‌تر از همه واقعیات یک جامعه را منعکس می‌سازند، از این رو این بخشی از ادبیات یکی از منابع غنی و مطمئن در مطالعه فرهنگ یک جامعه است و نمودار واقعی استعداد، قریحه و فرهنگ آن به شمار می‌رود (شریفی مقدم و ندیمی، ۱۳۹۲). اهمیت عناصر شفاهی تا جایی است که حتی تاریخ اجتماعی و تغییرات اجتماعی را از روی همین فرهنگ شفاهی می‌توان بازسازی کرد (محمدزاده، ۱۳۸۷) اگرچه این گفته‌ها و عناصر شفاهی دارای ماهیت فرهنگی بودند و تا حدودی به طور مستقیم یا غیر مستقیم ابزار قدرت محسوب می‌شدند در دوران معاصر به شکل کتبی وارد ادبیات رسمی شده‌اند و به اسطوره مبدل و ماهیت سیاسی یافته‌اند و به طور مستقیم ابزار تراکم و تکثیر قدرت محسوب می‌شوند به همین دلیل، ضرورت نقد سیاست‌ها و منش‌ها و روش‌هایی که به کارگاه اسطوره‌سازی بدل شده‌اند کار مهمی است.

بنابراین تحلیل دقیق محتوای داده‌های مختلف، به خصوص واژه‌ها و مفاهیم کمک زیادی به شناخت علل و عوامل وجودی موضوعات مختلف انسانی و اجتماعی می‌کند، لذا ضرب

المثل‌ها زمینه مناسبی جهت مطالعه بازنمایی امور اخلاقی به دور از تصور کلیشه‌ای و توجه به لایه‌های عمیق هستند. با توجه به مشاهدات و دغدغه‌هایی که در اجتماع وجود دارد با در نظر گرفتن اهمیت مضامین اخلاقی در گنجینه ضرب المثل‌ها، به لحاظ فراوانی و چه به لحاظ نقش و کاربرد، این مطالعه بدنبال بررسی مضامین اخلاقی در سه حوزه روابط جنسیتی، سیاسی و بین نسلی و با تأکید بر ضرب المثل‌های عربی خوزستانی به عنوان زمینه مناسب بازنمایی امر اخلاقی بوده و به اهداف زیر توجه دارد:

- ۱- وضعیت اخلاقی عرب‌ها به لحاظ وجود انسجام اخلاقی چگونه است؟
- ۲- چه ارتباطی بین مقولات اخلاقی بدست آمده و شرایط اجتماعی وجود دارد؟
- ۳- کدام یکی از این مقولات در دستگاه اخلاقی هژمونی بیشتری دارد؟

ادبیات و پیشینه

در ایران مطالعاتی که به طور مستقیم به تحلیل جامعه‌شناختی امر اخلاقی در ضرب المثل‌ها پرداخته باشد اندک هستند ولی پژوهش‌هایی در ارتباط با موضوع ضرب المثل‌ها صورت گرفته از آن جمله مطالعه تفسیری بازنمایی زن در ضرب المثل‌های کردی (محمدپور و همکاران، ۱۳۹۱). تحلیل جامعه‌شناختی از ضرب المثل‌های زنانه در شهرستان لامرد استان فارس (موحد و همکاران، ۱۳۹۱). جایگاه و تصویر سالمندان در ضرب المثل‌های فارسی (خاشعی، ۱۳۹۰) ارزش فرهنگی ترجمه ضرب المثل‌ها و کنایات عربی به فارسی (نیازی و نصیری، ۱۳۸۸). بررسی و تبیین ساختار اجتماعی- فرهنگی ضرب المثل‌های ترکی استان اردبیل (نوین، ۱۳۸۷). در برخی از این پژوهش‌ها به

بازنمایی روابط جنسیتی و تصویر سالمندان در ضرب المثل‌ها اشاره شده است.

مطالعات دیگری در سایر کشورها صورت گرفته از جمله می‌توان به بررسی مکتب عهد عتیق مسیحیان از نظر وجود کلیشه‌های جنسیتی ضرب المثل مانند، توسط (برنج،^۱ ۲۰۰۵)، بررسی ویژگی‌های ارتباطی خاص در ضرب المثل‌ها توسط (بک،^۲ ۲۰۰۵) و تصویر پسران و دختران در جامعه باگاندا توسط (کیمبا،^۳ ۲۰۰۵) اشاره کرد مطالعات فوق با بکارگیری رویکردهای نظری و روش‌شناسی مختلف همگی بر این نکته تأکید داشته‌اند که ادبیات شفاهی به عنوان عوامل تعیین‌کننده روابط جنسیتی، سیاسی و نسلی هستند با وجود تحلیل‌های مختلفی که از ضرب المثل‌ها در مناطق مختلف صورت گرفته اما تحلیل جامعه‌شناختی امر اخلاقی در ضرب المثل‌ها هم چنان به قوت خود باقی است.

مفاهیم نظری

بارت^۴ عناصر فرهنگی را اسطوره می‌نامد او معتقدات اسطوره‌نوعی گفتار است و نوعی پیام را می‌رساند در یونانی واژه Muthos به معنای گفتار و در نتیجه پیام است. ولی ما در عصر خود اسطوره را نوعی پیام مخدوش نیز می‌دانیم بارت همه این معانی را مدنظر دارد (Moriarty, 1991) تأملات او در اسطوره‌شناسی‌ها آن بود که با حالت عصبی مشاهده می‌کرد که روزنامه‌ها و عکس‌ها و فیلم‌ها و شوها و عقل سلیم واقعیتی را که تاریخی است به گونه‌ای عرضه می‌کنند که انگار چیز طبیعی است "من از اینکه مداوماً طبیعت و تاریخ خلط می‌شدند در خشم بودم" (Barthes, 1976).

از نظر بارت جامعه‌بدهت پوشاندن به امور زندگی روزمره نوعی سوء استفاده ایدئولوژیک است که بورژوازی به آن دست می‌زند. در نظام نشانه‌شناسانه بارت دال، معنا-شکل^۵ خوانده می‌شود. مدلول مفهوم^۶ نامیده می‌شود و به نشانه، دلالت^۷ اطلاق می‌گردد (اباذری، ۱۳۸۰) دال هم معناست هم شکل، از یک سو پیراست و از سوی دیگر تهی، پر بودن معنای دال اشاره به تاریخ‌مند بودن است اما زمانی که به شکل مبدل می‌شود تهی می‌گردد یا به عبارت دیگر تاریخ مستقر در آن فقیر و عسرت زده می‌گردد (همان).

بورژوازی ناگزیر اسطوره می‌سازد و این اسطوره فقط دستکاری نشانه‌ها نیست بلکه نوعی پیام است که هدف آن طبیعی جلوه دادن پدیده‌های تاریخی است. بورژوازی به سبب منافعتش تاریخ را به طبیعت تبدیل می‌کند و از خود نام زدایی می‌کند و تناقضات موجود در جامعه را به چیزی بی‌نام و نشان متحول می‌سازد.

از نظر فوکو در فرآیند اعمال قدرت فاعل بودن انسان نفی می‌گردد، دستگاهی انضباطی و به ویژه ارتش و مدرسه به آرامی تکنیک‌ها و روش‌هایی را ایجاد می‌کنند که به موجب آن آدمیان نه به عنوان فاعل سخن و یا نشانه‌های قابل قرائت، بلکه به عنوان موضوعاتی تلقی می‌شوند که می‌توان آن‌ها را شکل داد و کنترل کرد (دریفوس و رابنیو، ۱۳۷۶) به اعتقاد وی قدرت در واقع یک چیز نیست بلکه قدرت در روابط میان انسان‌ها جای داد قدرت کالا یا منصب یا غنیمت یا نقشه و تدبیری نیست، بلکه عملکرد تکنولوژی‌های سیاسی در سراسر پیکر جامعه است این عملکرد روابط نابرابری را ایجاد می‌نماید در این فضای نابرابر و جامعه انضباطی، انضباط یک تکنیک به شمار می‌

5-meaning-form

6-cocept

7-singnification

1-Branch

2-Beck

3-Kiyimba

4-Barthes Roland

کدگذاری را ادامه داده تا جایی که به سیصد ضرب المثل رسیدیم ضمناً برای شناخت زمینه شکل‌گیری و اجتماعی این ضرب المثل‌ها به صورت هدفمند و گلوله برفی با هشت نفر از افراد آشنا مصاحبه عمیق صورت گرفت. لازم به ذکر است تعداد ضرب المثل‌هایی که در منابع مکتوب راجع به موضوع امر اخلاقی، بسیار بیشتر از این تعدادی است که براساس نمونه‌گیری انتخاب شده‌اند.

ابزار اصلی و محوری تحلیل محتوا، نظام مقوله‌های آن است. واحد تحلیل در تحلیل محتوا کوچک‌ترین اجزای متن است که در آن رویدادها و توصیف مفاهیم (ویژگی‌ها و مقوله‌ها) بررسی می‌شوند. از آنجایی که متن دارای واحدهای طبیعی نیست لذا لازم است واحدهای تحلیل در سطوح نحوی و معنایی برای هر تحقیق ویژه تعریف شوند (هرکنز، ۱۹۷۴، نقل از محمدپور، ۱۳۹۰) در این مطالعه بعد از مطالعه ضرب المثل‌ها، جداسازی و تفکیک ضرب المثل‌هایی که به نوعی در ارتباط با امر اخلاقی در سه حوزه روابط جنسیتی، سیاسی و نسلی بودند. ابتدا مفاهیم استخراج شدند و در مرحله بعد با کنار گذاشتن این مفاهیم براساس اشتراکات و تشابهات مقولات بدست آمد. برای قابلیت اعتماد پژوهش حاضر به چند نفر مراجعه شد که همگی جواب‌های مشابهی ارائه نمودند و در نهایت ارزیابی بین مفاهیم، مقوله‌ها و داده‌های خام صورت گرفت که صحت آن‌ها مورد تایید واقع شود.

یافته‌ها و نتایج

پس از جمع‌آوری ضرب المثل‌هایی که به نوعی در ارتباط با امر اخلاقی در ۳ حوزه مورد نظر بودند در مرحله کدگذاری باز همان‌طور که جدول ۱ نشان می‌دهد ۱۴ مفهوم اولیه و در مرحله کدگذاری محوری ۵ مقوله عمده،

آید این تکنیک بالاتر از هر چیز دیگر تسری قدرت بر ریزترین و دورترین عناصر را ممکن می‌سازد. (همان) تکنیک‌ها و روش‌هایی که موجب ارزش‌گذاری و کسب مشروعیت می‌گردند، همگی حامی منافع کسانی است که دارای موقعیت برتر در جامعه هستند و آنان تعیین می‌کنند چه چیزی به عنوان حقیقت باید محسوب شود. (Hussein, 2009)

روش تحقیق

روش‌شناسی مورد مطالعه در این مطالعه روش‌شناسی کیفی است که یافته‌های خود را با ارجاع به عقاید، ارزش‌ها و رفتارها در زمینه اجتماعی بدست می‌آورد (محمدپور، ۱۳۹۱) و از روش تحلیل محتوای کیفی^۱ به عنوان روش عملیاتی تحقیق استفاده شده است. تحلیل محتوا یک رهیافت تحلیل تجربی و روش شناختی کنترل شده‌ی متن در بستر ارتباطی آن بدون کمی‌سازی کم‌مایه‌ی داده‌هاست (Mayring, 2000) داده‌های این مطالعه با استفاده از روش‌های بررسی اسناد و مدارک و مصاحبه عمیق گردآوری شده‌اند.

در این پژوهش از دو نوع نمونه‌گیری هدفمند و نظری به طور همزمان با توجه به اهداف و سوالات تحقیق استفاده شده است. روش انتخاب مصاحبه‌شوندگان هم به صورت هدفمند و سپس گلوله برفی یا حرکت از یک مورد به مورد دیگر بوده است (فلیک، ۱۳۸۸) بنابراین ابتدا با در نظر گرفتن سه حوزه اخلاقی انتخاب شده و تم موضوعی، به صورت هدفمند ضرب المثل‌هایی انتخاب می‌شدند که در این سه حوزه اخلاقی جای داشتند در اینجا ضرب المثل‌ها در سه حوزه جنسیتی، نسلی و سیاسی براساس تماتیک کدگذاری شدند سپس برای رسیدن به اشباع نظری کار

استخراج شد در ادامه به هریک از مفاهیم زیر با ارجاع به درک و تفسیر معنایی بومی فرهنگ عربی پرداخته شده است.

جدول ۱- مفاهیم و مقولات عمده استخراج شده از داده‌های کیفی

توضیحات	مقولات عمده	مفاهیم اولیه	
رسوبات فرهنگی به جا مانده از بستر تاریخی فراهم آورنده انگاره تقابل طبیعی دنیای مردانه و زنانه بصورت یک قاعده و امر اخلاقی عام بدون در نظر گرفتن خاستگاه و زمینه شکل‌گیری آن.	اسطوره مردانگی	خشونت علیه زنان- زن به مثابه موجودی مطیع و فرو دست - مرد به مثابه سوژه ای صاحب اداره و قدرت	رابط جنسیتی
-نوعی نگاه ارزشی به بزرگترها و احترام به سالمندان و تداوم آن در غالب یک دستور العمل اخلاقی عام که منافع یک گروه را تامین میکند. - نوعی نگاه ارزشی به طراوت، نیرومندی و خامی جوان ونمود آن بصورت یک باور عام در واژگان برای تامین منافع یک گروه یا صنف خاص	اسطوره پیر اسطوره کودک	پیر به مثابه سوژه ای مکرم- پیر به مثابه سوژه‌ای با تجربه و ارزشمند-پیر به مثابه ضعف جسمانی -جوان به مثابه سوژه ای خام - جوان به مثابه سوژه‌ای قوی و توانمند -کودک به مثابه سوژه ای محتاج نوازش	حوزه بین نسلی روابط سنی بین پیر و جوان
-نمود طبیعی و عادی اطاعت و فرمانبری در بین عامه مردم، همراه با سکوت یا نفی قدرت وبستر زدایی از آن -نوعی نگاه ارزشی به روابط نابرابر و تداوم در متون نوشتاری و گفتاری به مصلحت طبقه حاکمه و نمود آن بصورت یک امر بدیهی.	اسطوره ضعف اسطوره حاکم مهربان	-نفی قدرت - سکوت و اطاعت از قدرت حاکم - فساد قدرت -حاکم به مثابه جانشین خدا -قدرت به مثابه مصلحت عموم	حوزه سیاسی روابط بین مردم و قدرت

اسطوره مردانگی

یکی از مسائلی که زنان در سطح جهانی با آن روبرو بوده‌اند نظام مرد سالاری است که با محدود کردن زنان به پرورش کودکان و ارائه خدمات خانگی و جنسی، سلسله مراتبی را ایجاد کرده است. این رسوبات فرهنگی به جامانده، از بستر تاریخی، فراهم آورنده انگاره تقابل طبیعی دنیای مردانه و زنانه از بدو تولد تا بزرگسالی می‌باشد. چیزی که در اینجا مسئله است این است که این تضاد و تقابل به صورت یک قاعده عام و بدیهی بدون در نظر گرفتن خاستگاه آن، در متون رسمی به صورت یک عمل اخلاقی عام و قاعده مند مطرح شده و تبلیغ می‌گردد. مفاهیمی که در این ضرب المثل‌ها در شکل دهی به اسطوره مردانگی برجسته بوده‌اند عبارتند از: زن به مثابه سوژه‌ای مطیع و فرو دست، خشونت علیه زنان و مرد به مثابه موجودی صاحب اراده و قدرت است. در پاره‌ای از ضرب المثل‌ها فرود دستی زنان به ویژه در جوامع سنتی به صورتی است که مردان علاوه بر فرمانبرداری، که تکلیف زنان محسوب می‌شود، خواستار کنترل احساس، عواطف و ذهنیت زنان هم هستند موضوع فرودستی زنان در فرهنگ عربی خوزستانی مانند سایر فرهنگ‌ها در فرهنگ عامه و ادبیات شفاهی و رسمی بخش قابل توجهی را به خود اختصاص داده است نمونه‌ای از این ضرب المثل‌ها در زیر آمده است:

«الفرس من خیالها و المره من ریالها»

اسب از مربی آن و زن از مردش فرمان می‌برد و درس می‌گیرد

در اینجا منظور این است که چگونگی اخلاق و رفتار زن به رفتار و اخلاق شوهرش با او و کنترل و نظارتی است که بر او اعمال می‌کند. گویی زن به مثابه موجودی فرو دست

از خود اختیاری نداشته و خوب یا بد بودن او در اجتماع، به شوهرش بستگی دارد. تکلیف و محدودیتی که شوهر ایجاد می‌کند جهت کنترل زن و نشان دادن قدرت شوهر است. در غیر این صورت به شوهر مانند یک سوار کار غیر ماهر نگریسته می‌شود که توانایی کنترل زنش را ندارد، ضرب المثل دیگر در رابطه با موضوع فرو دستی زن می‌تواند این ضرب المثل باشد:

«نادره و ندار تچ بوش، مشکله و ترکضین ورا الهوش»

زرنگ هستی اما بیهوده، آستین‌ها را بالا زده‌ای و دنبال گاوان حرکت می‌کنی

مقصود این است که با این زرنگی، زنان باز هم دنبال کارهای بیهوده هستند و درست است که در بیشتر مواد توانایی بالای زن در مهارت‌هایی که زنانه خوانده شده‌اند مانند امور بچه‌داری و خانه‌داری و ابراز احساسات و عواطف محدود شده است اما نالایقی و بی‌هنری زنان را در قالب این دسته از ضرب المثل‌ها می‌توان دید. بنابراین ناتوانی در حل مشکل زندگی خود و بی‌هنری زنان از ویژگی‌های شخصیت زنان محسوب می‌شود.

خشونت علیه زنان مفهوم دیگری است که حکایت از ادب کردن زن و قرار دادن او در موضع فرمان برداری است ضرب المثل‌هایی مانند:

«طال عمرک طولیت ردانی، خاف تاخذلک مره و

تنسانی»

خدا به تو بخشید که مرا نعمت دادی، اما می‌ترسم زن

بگیری و مرا فراموش کنی

سخنی است که زن به شوهر می‌گوید و جفای او را به رخ می‌کشد و نشان دهنده این است که فرمانروایی مردان وجود داشته و زنان با رفتار ناخوشایند آنان روبرو بوده‌اند. مورد دیگری از این ضرب المثل‌ها:

«یا ریل لمملتک بیت و من تمن المنگع زمیت و کله

علیه ما رضیت»

ای شوهر، خانه‌ای برای جمع و جور کردم و از برنج خیس کرده برای کنار گذاشتم، و با این همه باز از من راضی نیستی.

حکایتی است که همه زنان با مردان خود دارند این ضرب المثل‌ها و واژگان نشان از وجود رفتار تحقیر آمیز نسبت به زنان و در کنار آن ارزشمند نمودن مرد نسبت به زن است مورد بعدی موضوع بی‌مهری نسبت به زن و خانواده زن را نشان می‌دهد:

«یا گلبی سیب و لاحاجتک للنسیب»

ای دل‌آواره شوی بهتر که محتاج داماد شوی

پیام این ضرب المثل کنایه‌ای از بی‌مهری بعضی دامادها نسبت به خانواده عروس است همه این ضرب المثل‌ها نشان دهنده موقعیتی است که در چهارچوب آن زنان

مورد سوء استفاده، بی‌مهری، نظارت و ستم مردان قرار می‌گیرند. این الگوی ستمگری به عمیق‌ترین و فراگیرترین اشکال در سازمان جامعه عجین شده و یک ساختار تسلط بنیادی تشکیل می‌دهد که عموماً پدر سالاری خوانده می‌شود (ریترز، ۱۳۸۲)

وجود تبعیض در واژگان جنسیت و اهمیت دادن به فرزند ذکور و مرد را به مثابه موجودی صاحب اراده و قدرت نشان دادن معرف یک بستر فرهنگی مرد سالاری است مورد زیر موضوع اهمیت فرزند ذکور را در پیامی زیبا طرح می‌کند:

«ابن ابنک الک ابن بتک لا»

پسر پسر توست ولی پسر دخترت به دیگران تعلق دارد

مقصود از این ضرب المثل اهمیت اولاد ذکور و نوعی فرهنگ مرد محوری است و این مرد محوری توأم با ترجیح جنسی بوده و مرد را تنها به عنوان دارنده برخی توانایی‌ها و قدرت تعریف می‌نماید. در میان ضرب المثل‌های عربی تعدادی از آن‌ها نشان دهنده قدرت و برتری مردان است به عنوان مثال:

«ابوی مایندر الا علی امی»

پدرم تنها از پس مادرم بر می‌آید

در اینجا مقصود آدمی است که فقط توان ستیز با ضعیف‌تر از خود را دارد و نشان دهنده قدرت مرد و ضعف زن است. ذکر اهمیت فرزند پسر نسبت به دختر همراه با اهمیت دادن به قدرت و اراده مرد در این واژگان رسمی وارد شده و تبلیغ می‌شود و به یک قاعده اخلاقی عام تبدیل می‌گردد و هرکسی در هر جایگاهی ممکن است از آن استفاده کند.

اسطوره پیر

این اسطوره بر پایه نوعی نگاه به سالمندان در جامعه بزرگ ایران بر مبنای فرهنگ اسلامی از احترام به ریش سفیدان، بزرگان و افراد سالمند ریشه می‌گیرد. احترام به بزرگ‌ترها و بویژه سالمندان ارزشی است که در رگ و ریشه و فرهنگ عربی خوزستانی وجود داشته است و وقتی وارد واژگان رسمی می‌گردد بدون در نظر گرفتن اعتقادات، رسوم، باورها و خاستگاه تاریخی ضرب المثل‌ها به صورت یک امر اخلاقی عام و بدیهی در می‌آید و تداوم آن در غالب یک دستورالعمل اخلاقی عام منافع یک گروه و طبقه‌ای را تامین می‌نماید. مفاهیمی که در شکل دهی اسطوره پیر در این ضرب المثل‌ها برجسته بوده اند شامل، پیر به مثابه سوژه‌ای مکرم، پیر به مثابه سوژه‌ای با تجربه و ارزشمند و پیر به مثابه ضعف جسمانی ضرب المثل‌های زیر پیرامون

ضرورت تکریم بزرگان و سالمندان به صورتی زیبا بیان شده‌اند

«جلمه الشایب من العین للحایب»

سخن پیرمرد را بر دیده منت می‌نهییم و می‌پذیریم یعنی سخن پیرمرد، به علت آن که سنی از او گذشته، همواره مورد قبول است. این ضرب المثل در مواقعی بکار می‌رفته که می‌خواستند ضرورت رعایت احترام و عزت را برای اقوام و نزدیکان بزرگسال یادآوری نمایند و به کوچکترها بگویند که ملاحظه پیران و سالمندان یکی از واجبات است در موردی دیگر این احترام بدین صورت بیان شده

«بردیته سیف»

بردی‌اش شمشیر است. بردی چوبی است که با آن قایق را می‌رانند و معمولاً در نيزارها می‌روید مردی که بردی‌اش مثل شمشیر است، کسی است که همه به او احترام می‌گذارند و از او حرف شنوی دارند ضرب المثل‌های دیگری پیر را به مثابه ضعف جسمانی نشان داده‌اند مانند

«لجیح و دیواره جاهل گرم ثوره»

ریشی به دستور کوه‌ها یکی گذاشت روی کوه خفاهی می‌شکند کنایه از به سر رسیدن دوره چیزی یا کسی و در واقع اشاره به چیزی که از زمان و موقع آن گذشته باشد در مورد دیگری

«للشيب لاحگهن اموزر»

در روزگار پیری هم بدنبال آن‌ها (زن‌ها) است و مقصود این است با این که پا به سن گذاشته و علی‌رغم سالخوردگی و فرسودگی باز هم از کارهای جوانی‌اش دست نمی‌کشد. بعضی از ضرب المثل‌ها پیرامون تدبیر و تجربه ارزشمند سالمندان می‌باشند از آن جمله:

«شایف عکه و مکه»

عکا (در فلسطین) و مکه (در عربستان) را دیده است نقش محوری که این ضرب المثل برای پیر قایل شده، اساس تجربه پیری و تدبیر سالمندان است و اشاره به آدم مطلع، جهان‌دیده با بصیرت و عمق تفکر مردمان پیر دارد.

اسطوره کودک

این اسطوره بر پایه نوعی نگاه به کودکان و نوجوانان در جامعه عربی خوزستانی که با نمود طراوت و نیرومندی، لطافت و خامی تعریف می‌شود و زمانی بین کودکی تا میانسالی را شامل می‌شود.

این باورها و نمونها همچون اسطوره پیر وقتی وارد واژه گان رسمی گردد و تاریخیت خود را از دست بدهد به یک امر عام تبدیل شده و می‌تواند سبب تأمین منافع یک صنف و گروهی شود. مفاهیمی که برای ساختن اسطوره کودک استفاده شده‌اند عبارتند از: جوان به مثابه سوژه ای خام، کودک به مثابه سوژه ای محتاج نوازش و جوان به مثابه سوژه ای توانمند و قوی که در زیر به نمونه‌هایی از آن‌ها اشاره خواهد شد

اخذ فالها من اطفالها

حرف راست را از بچه بشنو

این ضرب المثل‌ها اشاره ای به خامی، سادگی و جهالت کودکان و جوانانی است که از روی سادگی حقایق را بازگو نموده یا از روی جهل اقدام به انجام هر کاری می‌زنند در این واژگان جوان در اثر کمی تجربه و دانش حتی امور بسیار واضح و روشن را بر عکس افراد سالمند و با تجربه به درستی درک نمی‌کند.

در مواردی دیگر کودک به مثابه سوژه ای محتاج نوازش در نظر گرفته شده مثلاً این که گفته شده است:

«من اید ال اید یکبر و یزید»

از دستی به دستی بزرگ می‌شود و می‌افزاید

مواردی هم ضرب‌المثل‌ها به صورت نفی قدرت خود را نشان می‌دهند مانند:

لوعبور لو گبور درب الطاعه طویل

یا گذشتن یا در قبر خفتن - راه طاعت دراز است

مفهوم عمیقی از نفی قدرت در گفته‌های بالا دیده می‌شود با توجه به فضای استبدادی و عدم مشارکت مردم در امور سیاسی و سرکوب‌هایی که صورت می‌گرفته نوعی از مقابله در برابر ستم و نفی قدرت را شاهد هستیم. درجه حضور استبداد، خفقان و بی‌اعتمادی مردم به یکدیگر، در ادوار تاریخی مشابه نبوده و اگرچه جامعه زیر فشار فقر و عقب‌ماندگی بوده ولی انسان‌ها دارای قدرت مقاومت در برابر شداید و ناملایمات به صورت‌های مختلف بودند و این نفی قدرت به شکل‌های مختلف در ضرب‌المثل‌ها خود را نشان داده است.

سکوت و اطاعت از قدرت حاکم نیز موردی است که به شکل زیبا در ضرب‌المثل‌ها خود را نشان داده است مانند:

ال مایطیع یضیع گام یحب اید المولی و

العبد

کسی که اطاعت نکند شروع به بوسیدن دست
از دست می‌رود مولا و بنده کرد

ضرب‌المثل بالا نشان می‌دهد که سکوت و اطاعت حاکمان جایگاه خاصی در گفته‌ها داشته است افراد در طول تاریخ با وجود ناامنی، بی‌ثباتی، و استبداد حاکمان کنش‌هایی را به طور مستقیم یا غیرمستقیم از خود نشان می‌دادند زیرا سلطه خودکامه حکام بر جامعه و فقدان هر نوع نظام حمایتی برای مردم نوعی احساس ضعف را در

این ضرب‌المثل از لحاظ محتوایی اشاره به کودک محتاج نوازش و پرورش دارد. گفته‌ای است بر سبیل تمنا در مورد کودکی که زنان ناز و نوازشش می‌کنند. مورد بعدی ضرب‌المثل‌هایی هستند که کودک را به مثابه سوژه‌ای توانمند و قوی در نظر می‌گیرند مانند:

رزق الشباب و را الباب-لو ضاگ خلگک اذکر ایام

شبابک

رزق و روزی جوان پشت در است - در هنگام اندوه

روزهای جوانی را بیاد آور

محتوای این امثال نشان می‌دهد که دوره جوانی دوره نشاط و قدرت و دوران عمل است و این‌که در این دوران به دلیل نشاط و قدرت جوانی افراد باید فعالیت و جنب و جوش داشته باشند اهمیت این دوران چنان است که از آن به دوران شادی، سرمستی و سلامتی یاد می‌کنند و همه این‌ها به علت توان، نیرو و قدرت جوانی است.

اسطوره ضعف

حالتی از نبود قدرت و امکانات مادی، در میان عامه مردم و اجبار به اطاعت و فرمانبری است و همراه با نفی قدرت، سکوت یا صبر در مقابل استبداد دستگاه حاکم نمایان می‌گردد. اما این پدیده تاریخی از بستر خود جدا شده و به صورت طبیعی و عادی نشان داده می‌شود نفی قدرت و اطاعت و سکوت از قدرت حاکم و فساد قدرت مفاهیم شکل‌دهنده اسطوره ضعف هستند ضرب‌المثل‌هایی مانند

الحاکم اذا مدایده کثرت شهود الزور

اگر حاکم به مالی دست‌درازی کردشهادت‌های مزورانه زیاد می‌شوند

این گفته‌ها اشاره به شرایط نابسامان و فساد قدرت حاکم دارد قدرتی که در آن، مسئول حراست از چیزی، از خود آن چیز می‌دزد یا حالتی که رشوه‌خواری در جامعه رواج یافته که نشان از یک جامعه ناسالم، فاسد بی‌قانون است. در

اجتماع ایجاد می‌کرد در این حالت افراد کنش‌هایی را که نشان می‌دادند به صورت سکوت یا اطاعت دستگاه حاکم بود

اسطوره حاکم مهربان

نوعی از روابط قدرت و شامل کلیه روابط نابرابری است که از خلال آن یک یا چند نفر بر دیگران تسلط می‌یابند و آنان را بر حسب اراده و تمایل خود به هر سو که بخواهد می‌کشاند در این حالت قدرت حاکمان را ناشی از اراده خداوند و یا به مثابه مصلحت عمومی می‌دانند که به اشخاص داده می‌شود که از نظر تاریخی این نوع قدرت بیشتر با دوره سلطنت استبداد یا قدرت مطلق و نامحدود پیوند داشته است. دو مفهوم حاکم به مثابه جانشین خدا و قدرت به مثابه مصلحت عمومی مقوله اسطوره حاکم مهربان را شکل می‌دهند در ضرب المثل‌های عربی گاهی حکومت را مصلحت‌اندیش مردم بیان کرده مانند

«الحکومه حکیمه»

حکومت کاردان و مصلحت‌نگراست

محتوای این ضرب المثل‌ها دولت را اصلح بر امور مردم می‌داند، قدرت و حکومت ابزاری در خدمت مصلحت عمومی مردم و تحقق معنویات شرع مقدس در نظر گرفته می‌شود و برای جلوگیری از رواج ظلم و ستم در جامعه و گسترش نابرابری اجتماعی و برای رسیدن به عدالت اجتماعی دولت باید با تدبیر، مصلح‌اندیش و کاردان باشد و مردم جامعه را ارشاد نماید در مواردی از امثال، حاکم به مثابه جانشین خدا بر زمین آمده مانند

الناس علی دین السلطان العادل ظل

الله فی ارضه

ملوکهم

مردم بر دین پادشاه پادشاه عادل سایه خود هستند خدا بر زمین است محتوای این گفته‌ها نشان می‌دهد حکام با در اختیار داشتن قدرت دنیوی بر ظواهر و جوارح آدمیان مسلط اند همچنین حاکمان وارثان حقیقی انبیاء و خلیفه خدا بر زمین هستند و نقش مهم و حیاتی را در رساندن مردم به سعادت بر عهده دارند.

بحث و نتیجه‌گیری

اسطوره یک وضعیت زبان‌شناسی است و معنایی را که خواستار استخراج آن از پدیده مورد مطالعه است مخدوش گردیده یعنی واقعیت مخدوش است انحراف واقعیت تحت تاثیر ایدئولوژی بورژوازی یا طبقه حاکم صورت می‌گیرد و این طبقه حاکم است که در معنای تاریخی پدیده دست برده و خاصیت تاریخی آنرا از بین می‌برد تا به یک امر بدیهی، عام و طبیعی تبدیل گردد. از آنجایی که حوزه اخلاقی بسیار گسترده می‌باشد مضامین اخلاقی در سه حوزه مورد بررسی قرار گرفت. در حوزه روابط جنسیتی با توجه به مقولات عمده و توضیحات ارائه شده فوق می‌توان گفت یکی از مسائلی که زنان در سطح جهانی با آن روبرو بوده‌اند نظام مردسالاری است. در یک بستر فرهنگی محلی خوزستانی که می‌توان آن را سنت نامید افراد دارای نگرش‌هایی نسبت به زنان هستند، این نگرش زنان را به مثابه سوژه‌ای فرو دست نشان می‌دهد این در حالی است که زنان از همان آغاز یاد می‌گیرند که به خواسته‌ها و مطلوب‌های مورد انتظار مردان تسلیم‌پذیری و تابعیت نشان دهند از طرفی انواع خشونت علیه زنان در خانواده از جمله خشونت کلامی و جنسی در نظام مردسالاری وجود دارد بر این اساس تبعیض‌های فراوان در واژگان و ضرب المثل‌های تحقیرکننده زن و در کنار آن اصطلاح‌های

که در ادبیات رسمی به عنوان زمینه مرجع اخلاقی در دیوان اشعار یا کتب درسی قرار می‌گیرند و بعد به صورت دستورالعمل و کنش‌های اجتماعی تبلیغ و مشروعیت پیدا می‌کنند و از تداوم آن در غالب یک دستورالعمل اخلاقی عام و قاعده مند، منافع یک گروه و صنفی تامین می‌شود. در واقع آلت‌رناتیو گروه پیر، جوانان هستند. در ضرب المثل‌های گروه‌های سنی در مقابل تجربه پیر نیروی زور و توانمندی جوان آورده شده است بنابراین هیچ تناقض ماهوی بین اسطوره پیر و جوان وجود ندارد. اتفاقاً کودک اسطوره سازی می‌شود کودک به دلیل تابع بودن و عدم چموشی در مقابل تجربه پیر تمکین می‌دهد. پس از نظر محتوایی تناقضی میان این دو نیست.

در حوزه اخلاق روابط مردم با قدرت سیاسی با توجه به فضای استبدادی و نظام‌های سیاسی که در آن پادشاه یا خلیفه، حلقه قدرت را از خدا دریافت می‌کرد بر این اساس جلال الهی و جلال زمینی به هم نزدیک می‌شدند، و جلال زمینی جلال الهی را نمایندگی می‌کرد. در این میان در مقابل نابسامانی‌ها و فساد قدرت در دوره‌های مختلف تاریخی واکنش مردم در ادبیات شفاهی به صورت نفی قدرت و در مواقعی دیگر به شکل سکوت و اطاعت از قدرت حاکم نمایان می‌شد به نظر می‌رسد که استفاده از متن‌های تاریخی-فرهنگی و یا به تعبیری متن‌های اسطوره‌ای تا دوران معاصر ادامه پیدا کرده است. چنانچه رضاخان وقتی به فکر تأسیس سلسله سلطنتی خود می‌افتد نام خود را به پهلوی تغییر می‌دهد و برای دستیابی به مشروعیت از تاریخ ایران باستان و اسطوره‌ها استفاده می‌کند.

در سه حوزه یاد شده مقولات اخلاقی موجود، تبدیل به اسطوره می‌شوند در این میان در روابط جنسیتی بین مرد و زن، گروه مردان حتی در بُعد خرد، از تداوم این حالت

ارزشمند نمودن مرد نسبت به زن که در بستر زمینه‌ای حاضر سیال می‌باشد حاکی از بستر فرهنگی مرد سالاری است که از طریق شریان‌های گوناگون فرهنگی، هنری، اخلاقی، زبانی و ادبی در جامعه تولید و باز تولید می‌شود می‌توان گفت که ضرب المثل‌ها آشکارا با ظواهر برهانی در نظام پدر سالاری قرار دارند که مدام در حال تولید و باز تولید از طریق راز برتری مردانه هستند. به عقیده فوکو این روش‌های مشروعیت‌سازی به گونه‌ای بحث‌انگیز تنظیم و باز تنظیم شده است (رزاقی، ۱۳۸۷) در این حالت به صورتی نظام‌مند از منابع زبانی برای جاودانگی و همیشگی کردن نابرابری استفاده می‌شود و اخلاق که باز تولید شده شرایط اجتماعی است، اساساً یک امر اسطوره‌ای است که تبدیل به قاعده عام و امر اخلاقی می‌شود و تاریخت آن مسئله فراموش می‌گردد.

در حوزه اخلاقی رابطه بین گروه‌های نسلی، اسطوره پیر در مقابل اسطوره کودک قرار دارد. تحلیل ضرب المثل‌ها به نوعی در مقابل تجربه پیر، سادگی و خام بودن جوان و در مقابل ضعف جسمانی سالخوردگان، نیرو و توانمندی جوانان را نشان می‌داد. باید گفت که زمینه پیدایش این گفته‌ها یک نقطه تاریخی نیست بلکه بصورت انباشتی و در دوره‌های مختلف تاریخی توسط افراد مختلف در جایگاه‌های مختلف تولید شده و این تناقض در ادبیات رسمی تبدیل به یک امر بدیهی گردیده، اما آنچه اهمیت دستگاه اخلاقی را در اینجا به صورت مسئله نمایان می‌سازد اینست که این تضاد اخلاقی به یک قاعده عام مبدل شده است. وقتی این ضرب المثل‌ها در خاستگاه خود باشند تضاد موجود در آن‌ها قابل درک می‌باشد این‌ها در یک وضعیت تاریخی- اجتماعی عادی و صرفاً در زبان مردم شکل گرفته ولی در همان جا باقی نمی‌مانند و زمانی

-خانچی وهاب و جواهر کلام، محمد (۱۳۹۰) فرهنگ ضرب المثل‌های مردم عرب خوزستان، تهران: نشر شادگان.

-دریفوس، هیوبرت و پل، رابینو (۱۳۷۶) میشل فوکو، فراسوی ساختارگرایی و هرمنوتیک. ترجمه حسین بشریه، تهران: نشرنی

-رزاقی، محمد (۱۳۸۷)، هم‌نشینی با میشل فوکو با تاکید بر تاریخ جنسیت، موجود در سایت جام جم فلسفه

-ریترز، جورج (۱۳۸۲)، نظریه‌های جامعه‌شناسی در دوران معاصر، ترجمه محسن ثلاثی، تهران: علمی

-شریفی مقدم، آزاده و ندیمی، نرجس (۱۳۹۲) "تحلیلی معنی شناختی از کاربرد نام حیوانات در ضرب المثل‌های گویش لار" جمله زبان‌ها و گویش‌های ایرانی دوره ۲.

-فلیک، اووه (۱۳۸۸) درآمدی بر تحقیق کیفی، ترجمه هادی جلیلی، تهران: نی

-محمدپور، احمد (۱۳۹۰)، روش تحقیق کیفی ضد روش ۲، تهران: انتشارات جامعه‌شناسان.

-محمدپور، احمد، کریمی، جلیل و معروف پور، نشمیل (۱۳۹۱) مطالعه تفسیری بازنمایی زن در ضرب المثل کردی، جمله زن در فرهنگ و هنر، دوره ۴ شماره ۳.

-محمدزاده، حسینی (۱۳۸۷) شناسایی و ضبط ترانه‌های حین کار در کردستان، واحد آموزش و پرورش، صدا و سیما مرکز کردستان.

- موحد، مجید، عسکری، چاودری، محمد جواد و همکاران (۱۳۹۱) «تحلیلی جامعه‌شناختی از ضرب المثل‌های زنانه در شهرستان لامرد استان فارس، مجله زن در فرهنگ و هنر دوره ۴ شماره ۲.

"my
thologies",noowich,ploodin.
-
Hussein.jeylan,wolyie(2009)ADiscursiveRepr
esentation of women in sample proverbial wit
and wisdom,journal of pragmatics,32:627-638
-Mayring,philipp (2000), "Qualitativecontent
Analysis "In forum

منتفع است. در روابط گروه سنی، چون قدرت سیاسی احترام به نیروی محافظه‌کاری پیر را به امر اخلاقی و عام تبدیل نموده، مشاهده می‌شود که این امر اخلاقی نیروی تحول‌خواهی و فعالیت جوان را تحت الشعاع نیروی محافظه‌کاری پیر می‌برد و تجربه را بر خرد جوان ترجیح می‌دهد و انسان هر چقدر باهوش و خردمند باشد باید به یک پیر بی‌سواد و دارای تجربه تمکین دهد در تمام موارد فوق قدرت سیاسی از امر اخلاقی عام و طبیعی ایجاد شده سود می‌برد هم‌اکنون نیز نیروهای تحول‌خواهی باز تحت الشعاع نیروی محافظه‌کاری خانواده که یک نهاد محافظه‌کار و ایدئولوژیک است قرار می‌گیرند و محدود می‌شوند و به صورتی دیگر عرضه اندام می‌نمایند در این حالت اگر نهاد خانواده اسطوره گردد باز این اتفاق رخ می‌دهد. از مخدوش شدن تاریخت خانواده، تاریخ از بین می‌رود و خانواده مرد سالار یک امر بدیهی و عام نشان داده می‌شود اما رابطه نابرابر و تسلط مردان بر زنان نشان داده نمی‌شود تا در نهایت از این روابط نابرابر قدرت سیاسی و طبقه حاکم سود می‌برد و این قدرت در دست حاکمان به عنوان ابزاری برای اسطوره‌سازی و مشروعیت‌سازی تبدیل گردد. در اینجا سعی شود یک متن نسبت به متن دیگر برجسته شود و این در واقع جدال نیروهای اجتماعی است. نیروهایی که اسطوره خود را بجای متن می‌نشانند و تفسیر مورد نظر را به جای تفسیر دیگر بر متن تحمیل می‌نمایند تا ظلم و ستم یا استعمار آنان دیده نشود.

منابع

-اباذری، یوسف (۱۳۸۰) "رولان بارت و اسطوره و مطالعات فرهنگی"، ارغنون، ص ۱۵۷-۱۳۷

-انصاری، مصطفی (۱۳۸۹)، تاریخ خوزستان دوره خاندان کعب و شیخ خزعل، ترجمه محمد جواهر کلام، تهران: نشرشادگان.

Qualitativsozialforschung/forum:Qualitative social Research Eon-line Journally,(2), Available at:<http://qualitative-research.net/fqs/fqs-e/2-ooihalt-e.htm> [Data of access:monthDay,year].

-Mieder,wolf gang (1993) International proverb scholarship:An Annotated Bibliography,with supplement,p.24 newyork: Garland publishing.

-Moriarty,Michael (1991)."Roland Barthes", combridge, polity.